



Kardan Journal Law (KJL)

ISSN: 2707-3181 (Print and Online), Journal homepage: <https://kardan.edu.af/KJL>

The Role of Dissenting Opinions in the Functioning of the International Court of Justice: Examination of the Certain Iranian Assets Case (2023)

Said Mohammad Alemi

To cite this article: Alemi, Said Mohammad. “The Role of Dissenting Opinions in the Functioning of the International Court of Justice: Examination of the Certain Iranian Assets Case (2023)”, *Kardan Journal of Law*, 6, no. 1 (2024): 1-14.

DOI: 10.31841/KJL.2024.25

To link to this article: <http://dx.doi.org/10.31841/KJL.2024.25>



© 2024 The Author(s). This open access
Article is distributed under a Creative
Commons Attribution (CC-BY) 4.0 license.



Published online: 30 December 2024



Submit your article to this journal

The Role of Dissenting Opinions in the Functioning of the International Court of Justice: Examination of the Certain Iranian Assets Case (2023)

Kardan Journal of Law
6 (1) 1 – 14

©2024 Kardan University
Kardan Publications
Kabul, Afghanistan

<http://dx.doi.org/10.31841/KJL.2024.25>
<https://kardan.edu.af/KJL>

Received: 20 Sep 2024
Revised: 25 Oct 2024
Accepted: 20 Nov 2024
Published: 30 Dec 2024

Said Mohammad Alemi

Abstract

Individual opinions of the judges of the International Court of Justice (ICJ), including their dissenting opinions, is one of the privileges bestowed upon the judges of the ICJ stemming from the principle of Judicial independence. Judges avail this privilege and have therefore issued dissenting opinions in various cases brought before this international judicial body. The case of Certain Iranian Assets (Islamic Republic of Iran v. the United States of America) is no exception where judges entertaining the case have presented individual opinions as well as dissenting opinions. This paper attempts to examine, by using descriptive analytical methods of research, the role of dissenting opinions in the functioning of the ICJ focusing on the case mentioned above. This study concludes that dissenting opinions are vital in ensuring the independence of judges, strengthening jurisprudence of the court offering basis to opinions for subsequent cases, and playing effective role in the development of international law by providing interpretations and legal arguments against the majority view of the judges.

Keywords: Individual Opinion, Dissenting Opinion, International Court of Justice, ICJ, Certain Iranian Assets Case 2023

نقش آرای مخالف در عملکرد محکمه بین المللی عدالت: ارزیابی و تحلیل قضیه برخی اموال ایرانیان (۲۰۲۳)

سید محمد عالمی

چکیده

ارائه نظرات فردی از جمله نظرات مخالف، یکی از حقوقی است که بنابر اصل استقلال قضات محکمه بین المللی عدالت، به آنها داده شده است و قضات در قضایای مختلف مطروحه در این نهاد قضایی بین المللی بارها به صدور آرای مخالف پرداخته اند. قضیه برخی اموال ایرانیان (ایران علیه ایالات متحده) یکی از قضایایی است که در سال های اخیر مطرح و محکمه رأی خود را راجع به آن صادر نمود. در این قضیه نیز قضات به ارائه نظرات فردی از جمله آرای مخالف مبادرت نموده اند. در این تحقیق ما با تأکید بر قضیه مذکور با روش توصیفی، تحلیلی به دنبال پاسخ به این سوال هستیم که نقش آرای مخالف در عملکرد محکمه بین المللی عدالت چه بوده است. یافته های مطالعه مذکور نشان دهنده اهمیت نظرات مخالف در ایجاد اطمینان از استقلال قضات، تقویت عملکرد محکمه با استفاده از آرا در قضایای بعدی و ایفای نقش در توسعه حقوق بین الملل، ارائه تفاسیر و استدلال های حقوقی متعارض با نظر اکثریت قضات می باشد.

کلمات کلیدی: نظرات فردی، نظر مخالف، محکمه بین المللی عدالت، قضیه برخی اموال ایرانیان (2023)

مقدمه

پس از پیروزی انقلاب اسلامی در ایران، به ویژه پس از حمله محصلین ایرانی به سفارت ایالات متحده آمریکا و تسخیر آن در سال 1358، تنش‌های رو به تزايدی در روابط میان دو کشور رخ داد. ایالات متحده در یک سوی قضیه در واکنش به اقدامات حکومت ایران، حدود 12 میلیارد دلار شامل وجوه نقد، اوراق بهادار و طلا از دارایی بانکی و برخی از اموال غیرمنقول این کشور در ایالات متحده را مسدود نمود. تلاش‌ها برای حل اختلاف پیرامون موضوع با مراجعه ایران به محکمه بین‌المللی عدالت و ایجاد دیوان حکمیت میان دو کشور (1981) با میانجی‌گری الجزایر انجام یافت و رسیدگی به اختلافات طرفین از طریق حکمیت تا به اکنون¹ وجود دارد. با این حال در دلو 1390 (5 فروری 2012) رئیس جمهور وقت ایالات متحده دستور اجرایی 13599 را صادر نمود که براساس آن 2 میلیارد از دارایی‌های مسدود شده ایران برای پرداخت غرامت به قربانیان بمب‌گذاری در سفارت ایالات متحده آمریکا در بیروت (1983) ضبط و مصادره می‌گردد.² ستره محکمه ایالات متحده نیز در سال 2016 براساس این دستور اجرایی حکم بر پرداخت غرامت به قربانیان حادثه مذکور نمود. جمهوری اسلامی ایران در ۲۵ جوزای ۱۳۹۵ ضمن اشاره به اقدامات ایالات متحده آمریکا در این زمینه و با تاکید بر این که این اقدام دولت واشنگتن با موازین حقوق بین‌الملل به ویژه با معاهده بین دو کشور موسوم به «عهدنامه مودت و روابط اقتصادی و حقوق قونسل بین ایران و آمریکا» در تعارض است، عریضه‌ای را برای رسیدگی به اختلاف به محکمه بین‌المللی عدالت تقدیم کرد.

محکمه پس از 6 سال و 9 ماه در رابطه به قضیه مذکور به صدور رأی در 9 بند مبادرت نمود. محکمه در این رأی از استدلال‌پردازی زیاد و توضیحات بیشتر در خصوص موضوع امتناع نموده است.³ با این حال نظرات فردی زیادی به این رأی ضمیمه شده است. از جمله 8 قاضی رأی جداگانه ضمیمه نموده‌اند که در دو مورد از آن‌ها، بخشی دربردارنده نظر مخالف نیز می‌باشد. سه قاضی اعلامیه صادر نموده‌اند و دو قاضی از جمله جمشید ممتاز، قاضی اختصاصی جمهوری اسلامی ایران رأی مخالف خود را به رأی محکمه ضمیمه نموده‌اند.

آنچه می‌تواند به عنوان یک سوال از درون این قضیه مطرح گردد این است که آرای مخالف در قضایای مورد رسیدگی در محکمه بین‌المللی عدالت از جمله قضیه مورد بحث در این مقاله چه نقشی در کارکرد محکمه بین‌المللی عدالت به عنوان رکن اصلی قضایی ملل متحد دارد؟

در این تحقیق ما در بخش اول به مفهوم و مبنای حقوق آرا مخالف به عنوان شکلی از نظرات فردی، جایگاه آنها در میان منابع حقوق بین‌الملل، نقش آنها در روند رسیدگی به قضایای بین‌المللی پرداخته و در بخش دوم ضمن مروری به روند رسیدگی به قضیه برخی اموال ایرانیان (جمهوری اسلامی ایران علیه ایالات متحده)، به مطالعه نظرات فردی قضات در این قضیه پرداخته و نقش آرای مخالف در آن را مورد بررسی قرار خواهیم داد.

می‌توان گفت، توجه به اصل استقلال قضات در محکمه بین‌المللی عدالت و نحوه انتخاب آنها، ارائه نظرات فردی را به عنوان یکی از حقوق قضات توجیه نموده و این نظرات هر چند بخشی از رویه قضایی بین‌المللی به شمار نمی‌آیند، اما

¹ برای معلومات بیشتر، مراجعه شود به سایت: Iran United States Claims Tribunal (iusct.com)

² "Determination Pursuant to Section 1245(d)(4)(B) and (C) of the National Defense Authorization Act for Fiscal Year 2012." *Federal Register* 77, no. 26 (February 8, 2012): 7082–7083. <https://www.govinfo.gov/content/pkg/FR-2012-02-08/pdf/2012-3097.pdf>.

³ هر چند حجم متن آرا، معیار تعیین شده‌ای ندارد، اما اهمیت محتوا و میزان پرداختن به آن باعث صدور آرای با حجم بسیار گردیده است. انتظار حقوقدانان این بود که در رابطه به این قضیه نیز دیوان با ارائه توضیحات و استدلال‌های فراوان آرای با حجم بالا صادر نماید.

می‌توان آنها را در زمره دکترین قلمداد کرد و یکی از منابع فرعی حقوق بین الملل عمومی دانست. به این دلیل، این نظرات می‌توانند از یک سو تضمین‌کننده استقلال قضات بوده و این اطمینان را به قضات و اطراف دعوا بدهد که آنها آزادی کامل در ارائه دیدگاه و نظرات خود داشته‌اند و هر چند این نظرات نتوانسته است در رأی نهایی تأثیرگذار باشد اما به عنوان دکترینی که ارائه‌کننده آن به عنوان قاضی در جریان رسیدگی قضایی حضور داشته است، از یک سو بر اطمینان از روند عملکرد محکمه تأثیرگذار بوده و از سوی دیگر می‌تواند در قضایای بعدی مسیر بهتری را برای قضات ترسیم نماید و همچنین در توسعه حقوق بین الملل مفید واقع شود.

در قضیه برخی اموال ایرانیان هر چند از آرای فردی قبلی استفاده‌ای صورت نگرفته است، برخی از قضات دیدگاه‌های فردی خود (مخالف و یا جداگانه) را به ویژه در مورد اولویت معیار هدف و کارکرد در تعیین تجاری بودن فعالیت بانک مرکزی ایران و همچنین در مورد نقض بند 1 ماده 3 معاهده مودت از سوی ایالات متحده که در بند سوم اجرایی رأی با نصاب نزدیک 8 به 7 در مورد آن اتخاذ تصمیم شده است، ضمیمه رأی نموده‌اند.⁴ این نظرات هر چند در رأی مذکور تغییر ایجاد نمی‌نماید، ولی می‌تواند به عنوان اصلاح رویکرد محکمه در معیار تعیین تجاری بودن فعالیت شرکت‌ها مفید واقع گردد.

1. جایگاه نظرات مخالف در حقوق بین الملل

1.1. مفهوم نظرات مخالف

یک نهاد حقوقی بین المللی ممکن است به صورت صدای واحد یا با صداهای متعدد سخن بگوید. در رویه قضایی بین المللی، نظرات اکثریتی⁵ و اقلیت اغلب با هم ارائه می‌گردد. نظرات اکثریت، همانطور که از نام آن پیداست، از اکثریت «هیئت قضات» به دست می‌آید، در حالی که نظرات اقلیت توسط قضات به صورت فردی ارائه می‌شود و بنابراین به عنوان نظرات فردی⁶ نیز شناخته می‌شود. به طور کلی، فقط نظرات اکثریت سازنده تصمیمات قضایی و برای طرفین یک قضیه خاص الزام‌آور است. با این وجود اهمیت نظرات فردی قضات از نظر، دور نمانده است و ماده 57 اساسنامه محکمه بین المللی عدالت اعلام داشته است که چنانچه «حکم به صورت کل و یا جزئی با اتفاق آراء صادر نشده باشد، هر قاضی حق خواهد داشت، شرح نظر شخصی خود را به حکم ضمیمه نماید».⁷ درج نظرات و عقاید شخصی قضات به عنوان ضمیمه رأی، چه در قالب نظر جداگانه⁸، مخالف⁹ یا اعلامیه¹⁰ اهمیت ماهوی این دیدگاه‌ها در منظومه استدلال حقوقی و احکام صادره را نشان می‌دهد.¹¹

⁴. برای آگاهی از خلاصه محتوای رأی و نظرات فردی به اعلامیه مطبوعاتی محکمه در آدرس زیر مراجعه شود:

"Press Release No. 2023/15: Certain Iranian Assets (Islamic Republic of Iran v. United States of America)." *International Court of Justice*. March 30, 2023. <https://icj-cij.org>.

⁵ - Majority Opinions.

⁶ - Individual Opinions.

⁷ - *Statute of the International Court of Justice* (1945), art. 57. <http://icj-cij.org/statute>.

⁸ - Separate Opinion.

⁹ - Dissenting Opinion.

¹⁰ - Declaration.

¹¹. مصطفی میرمحمدی و مهران خمیسی‌زاده، "مطالعه تطبیقی جایگاه و کارکرد نظرهای فردی (جداگانه، مخالف و اعلامیه) در رویه دیوان بین المللی دادگستری و نظام داوری حل اختلافات دولت. سرمایه‌گذار"، *مجله مطالعات حقوق تطبیقی* 11، شماره 1 (1399): 364.

قواعد محکمه به عنوان آیین دادرسی آن که مصوب سال 1978 است در بند 2 ماده 95 و بند 3 ماده 107 تصریح می‌کند که قاضی حق دارد تا در زمان صدور رأی توافقی و یا نظر مشورتی، نظر فردی خود را ضمیمه کند تا نشان دهد که با اکثریت مخالف است یا خیر.¹² ممکن است این نظر به صورت اعلامیه، نظر جداگانه یا نظر مخالف باشد. به طور خاص، اعلامیه عبارت از بیانییه کوتاه یک قاضی است که بدون ذکر دلایل، موافقت یا مخالفت خود را ثبت می‌کند و صرفاً در حد واضح ساختن چگونگی رأی دادن آن قاضی است. قاضی زمانی نظر جداگانه صادر می‌کند که با تصمیم اکثریت موافق اما با استدلال حقوقی مخالف باشد. همچنین زمانی که قاضی نه با تصمیمات و نه با استدلال حقوقی اکثریت موافق باشد، نظر مخالف صادر می‌کند.¹³ همچنین ممکن است قضات رأی جداگانه‌ای را صادر نمایند که بخشی از آن در موافقت با رأی اکثریت باشد و بخشی دیگر از آن نظر مخالف باشد.

21. مبنای صدور نظرات فردی مخالف

مطابق آیین دادرسی سابق محکمه عدالت (1946) و اصلاحات سال 1972 آن، بخش اجرایی رأی¹⁴ محکمه باید دربردارنده نام و تعداد قضاتی که اکثریت را تشکیل می‌دهند، باشد. این موضوع مشخص می‌سازد که نظرات هر یک از قضات دارای اهمیت است، هر چند تعداد اندکی از آرای محکمه بین‌المللی مانند قضیه هایادولا توره، تفسیر رأی 1950 در قضیه پناهندگی و همچنین رأی تحدید حدود فلات قاره دریای سیاه هستند که بدون نظر مخالف یا جداگانه‌ای صادر شده‌اند، تا پیش از تغییر آیین دادرسی محکمه در سال 1978، آرای محکمه صرفاً دربردارنده تعداد افرادی بود که موافق و یا مخالف رأی داده بودند و نظرات مخالف در آن گنجانده نمی‌شد. با این حال مشخص است که محکمه بین‌المللی عدالت به صورت مداوم این حق قضات در ضمیمه نمودن نظرات جداگانه و اعلامیه در مورد رأی اصلی را به رسمیت شناخته است.

در سال 1907 و در جریان دومین کنفرانس لاهه برای اولین بار تعدادی از نمایندگان با آن مخالفت نموده و با این استدلال که این موضوع با روح ماده 52 کنوانسیون لاهه و اصول اساسی آیین رسیدگی داوری در تعارض است، خواستار حذف آنها گردیده‌اند. با این وجود طرح اساسنامه محکمه صرفاً با اصلاح ماده 57 اساسنامه و به رسمیت شناخته شدن حق قضات برای ضمیمه نمودن شرح عقیده شخصی خود¹⁵، در کنفرانس سان فرانسسکو به تصویب رسید. نماینده بریتانیا در جریان این کنفرانس با این توجیه که رأی محکمه، ترکیبی از نظرات قضات متعدد است و رأی قاضی مخالف چون مربوط به یک قاضی است از انسجام بیشتری برخوردار است، تأکید نمود که تمام قضات چه در دسته اکثریت و چه در جایگاه اقلیت قرار بگیرند، باید حق ابراز نظر خود در آرای جداگانه را داشته باشند و بتوانند استدلال‌شان را مطرح کنند.

در دفاع از این نظر می‌توان گفت، دستاوردهای محکمه بین‌المللی عدالت یکی از شاخص‌ها و معیارهای معتبر شناخت حقوق بین‌الملل است و آرای محکمه علی‌رغم این که صرفاً نسبت به کشورهای طرف دعوا لازم‌الاجرا هستند و وجود

¹² - Rules of Court (14 April 1978), arts. 95(2) and 107(3). <http://ici-cij.org/rules>.

¹³ - D. Heerd, W. van Genugten, and N. Schrijver, *Discover International Law: With Special Attention for The Hague, City of Peace and Justice* (Nijmegen: Wolf Legal Publishers, 2017).

¹⁴ - Operative part of the judgment.

¹⁵ . ماده مذکور مقرر می‌دارد: «هر گاه حکم کلاً یا جزاً به اتفاق آرای قضات صادر نشده باشد، هر قاضی حق خواهد داشت شرح عقیده شخصی خود را ضمیمه حکم نماید.»

نظرات جداگانه و تفاسیر مختلف برای اهمیت آن می‌افزاید و زمینه بسط و توسعه قواعد بین‌المللی را فراهم خواهد ساخت.

در مقابل این دیدگاه، آن گروه از صاحب‌نظرانی که معتقد به نظریه «یکپارچگی محکمه» هستند، اعلام نظرات مخالف و جداگانه را دارای معایب زیر دانسته‌اند:

1. نظرات مخالف قضات به خصوص وقتی که استدلالات محکمه را هدف قرار می‌دهند، زمینه عدم هماهنگی و انسجام در نظام حقوق بین‌الملل را فراهم می‌سازد.
2. نظرات جداگانه و مخالف اغلب در تعارض با نزاکت بین‌المللی بوده و باعث کاهش اقتدار آرای محکمه بین‌المللی می‌گردد.

طرف‌داران نیز بر این باورند که نظرات فردی فواید ذیل را دارند:

1. باعث افزایش حس مسئولیت و تلاش قضات و دقت آنان در صدور رأی می‌شود.
2. در مخاطبین از جمله محکوم علیه این باور را ایجاد می‌نماید که قضات به تمامی زوایای قضیه توجه نموده و رضایت و اطمینان خاطر در آنها شکل می‌گیرد.¹⁶
3. تضمین استقلال قضات و آزادی عمل داده شده به آن‌ها از دیگر دلایل توجیه اهمیت نظرات انفرادی قضات است. اساسنامه محکمه از طریق نحوه انتخاب قضات با حداقل دخالت دولت‌ها و مصونیت‌های داده شده به آنها تلاش داشته است تا آنها را از تحت نفوذ دولت‌ها خارج نماید. اهمیت قایل شده به آرای قضات باعث می‌گردد که آنان با آزادی کامل و بر مبنای واقعیت‌ها و بر پایه موازین حقوقی استقلال خویش را به منصفه ظهور بگذارند.¹⁷

در نتیجه می‌توان گفت، هر چند نظرات جداگانه و مخالف قضات یادگار نظام حقوقی کامن‌لا است، اما در چارچوب تصمیم‌سازی قضایی، نظرات انفرادی قضات (جداگانه، مخالف و اعلامیه‌ها) بیش از آن‌که به سنت‌های حقوقی و فرهنگی مربوط باشد، به پذیرش سه فرضیه زیر بستگی دارد:

نخست آن‌که، به دلیل الزام‌آور نبودن، نظرات مخالف به یکپارچگی قانون آسیبی وارد نمی‌سازد و صرفاً این را نشان می‌دهد که در فرض ابهام یا اجمال قانون موضوعه، راه‌حل‌های دیگری برای حل مسئله قابل پیش‌بینی بوده است.

دوم اینکه، مشروعیت ساختاری محاکم با استقلال فردی و بی‌طرفی قضات سازگار است.

سوم، اساساً به عنوان نتیجه منطقی دو فرضیه قبل، نظر اکثریت در اعتبار بخشیدن به تصمیمات قضایی کافی است. به دیگر سخن، اتفاق نظر لزوماً بیانگر حقانیت یا استواری قضایی نیست. در پرتو این فرضیه‌ها نظرات انفرادی قضات راهی در شفافیت بیشتر و استدلال به قواعد حقوقی است.¹⁸

3.1. جایگاه نظرات فردی در میان منابع حقوق بین‌الملل

¹⁶ لادن حریریان، "نقش نظرات قضات دیوان بین‌المللی دادگستری در توسعه حقوق بین‌الملل"، سایت دیدبان دادگستر، آخرین دسترسی: ۶

سنبله ۱۴۰۲، <https://didad.ir/...>

¹⁷ ولی‌الله حیدرزاد و سید محمد مهدی غمامی، "مطالعه تطبیقی شرایط و فرآیندهای انتخاب و انتصاب قضات در نظام‌های حقوقی ایالات متحده آمریکا و فرانسه"، فصلنامه حقوق تطبیقی 10، شماره 1 (1398): 112.

¹⁸ مصطفی میرمحمدی و مهران خمیسی‌زاده، همان

ماده 38 اساسنامه محکمه بین‌المللی عدالت در بیان منابعی که محکمه برای رفع اختلافات دولت‌ها می‌تواند مبتنی بر آنها تصمیم‌گیری نماید، در واقع به تثبیت منابع حقوق بین‌الملل پرداخته است. در این ماده 3 منبع، معاهده، عرف و اصول کلی حقوق به عنوان منابع اصلی و تصمیمات قضایی و دکترین به مثابه منابع فرعی در احراز قواعد حقوق معرفی شده‌اند. روند رو به رشد دکترین و نقش موثر آن در حل و فصل دعاوی دولت‌ها باعث شده تا این منبع فرعی امروزه به یکی از منابع مهم و قابل توجه در حقوق بین‌الملل تبدیل شود و با نقش‌ها و کارکردهای متنوع خود، از جمله در پرتو نظرات فردی قضات، سهم فزاینده‌ای در توسعه حقوق بین‌الملل ایفا نماید. این نظرات ممکن است گاهی مانع ابداعات و نوآوری‌های حقوقی از سوی جمعی از حقوق‌دانان گردد و گاهی نیز نظریه مغفول مانده‌ای را یادآوری نمایند.¹⁹

دکترین که یکی از شیوه‌های تبلور آن در پرتو نظرات فردی قضات است، در کنار سه منبع دیگر در رسیدگی قضایی مطرح است و امروز کمتر کسی می‌تواند نقش این عامل را در توسعه حقوق بین‌الملل و استحکام تصمیمات و احکام قضایی محکمه انکار نماید. دکترین و نظرات فردی قضات در واقع موتور توسعه حقوق بین‌الملل هستند و به همین دلیل حقوق‌دانان و نویسندگان متن اولیه اساسنامه به ضرورت اعطای اختیارات وسیع‌تر به محکمه بین‌المللی عدالت و اجازه ایفای نقش موثر محکمه در توسعه حقوق بین‌الملل توجه داشته‌اند.²⁰

4.1. نقش نظرات فردی در توسعه حقوق بین‌الملل

فعالیت محکمه به اجرای قواعد موجود محدود نیست، بلکه فعالیت قضایی محکمه به توسعه قواعد موجود و در صورت نیاز، اصلاح آن می‌انجامد؛ زیرا حقوق چیزی بیش از مجموعه قواعد حقوقی است که زمانی وضع شده است و قاضی در فرآیند تصمیم‌گیری‌های خود نمی‌تواند به اجرای ماشین‌وار آن اکتفا کند.²¹

نظرات قضات که در زمره دکترین به حساب آمده، در کنار رویه قضایی وسیله‌ای برای احراز قواعد حقوق بین‌الملل دانسته می‌شود و در کنار آن حقوق نرم و یا حقوق مطلوب برای آینده²² را شکل می‌دهند. قضات محکمه در واقع زبان پویای حقوق بین‌الملل هستند که در چارچوب محکمه، نقش مهمی در توسعه حقوق بین‌الملل ایفا می‌نمایند؛ حتی جایی که قاضی مشغول تفسیر متن قانون است، آزادی عمل گسترده‌ای به منظور توسعه قانون برای وی وجود دارد.²³ این اثرگذاری به اشکال مختلفی صورت می‌گیرد.

در این راستا بخش‌های مختلف حقوق بین‌الملل از جمله حقوق معاهدات، حقوق سازمان‌های بین‌المللی، حقوق بشر، حقوق بین‌الملل سرمایه‌گذاری، حقوق تجارت بین‌الملل، عمدتاً از قضایای بین‌المللی که در محاکم گوناگون مجال طرح یافته‌اند، تأثیر پذیرفته‌اند. برای مثال زمینه پیدایش قاعده «تعهدات عام‌الشمول»²⁴ که تغییرات محسوسی در درک و مفهوم حقوق بین‌الملل مدرن ایجاد کرده، مرهون اظهار نظر فردی یک قاضی است که در قضیه بارسلونا تراکشن صادر شده است و لزوماً در دعوی یا حکم صادره نیز تأثیری نداشته است. بنابراین عملکرد محکمه نشان می‌دهد که این نهاد حل و فصل، با استفاده از نظرات فردی قضات برای کمک به ایجاد قواعد حقوقی و نیز تفسیر قوانین، بسیار سازنده

¹⁹. لادن حریری، همان.

²⁰. شاملو، سوده و همایون حبیبی. «نقش دیوان بین‌المللی دادگستری در توسعه حقوق بین‌الملل». *فصلنامه حقوق عمومی* 15، شماره 41 (1392): 71.114.

²¹. سوده شاملو و همایون حبیبی، همان، 82.

²² - *De Lege Feranda*.

²³. محمد حبیبی مجنده و ساناز کامیاراد، «قاعده‌سازی در دیوان بین‌المللی دادگستری از مجرای تفسیر پویا»، *مجله حقوقی بین‌المللی* 35، شماره

1 (1397): 81.

²⁴ - *Erga Omnes*.

عمل کرده است. به طور کلی نظرات مخالف در پژوهش پیرامون موضوعات اساسی حقوق ضروری و مفید خواهد بود. در واقع نظرات مخالف یک نوع دعوت به گفت‌وگو در توسعه حقوق در حوزه‌های مختلف به شمار می‌روند.²⁵

2. مروری بر نظرات مخالف در قضیه برخی اموال ایرانیان

1.2. روند رسیدگی به قضیه برخی اموال ایرانیان

در 23 اکتوبر 1983 یک موتر لاری حامل 19 تُن مواد منفجره با ورود به مقر تفنگداران نیروی دریایی ایالات متحده آمریکا در لبنان سبب کشته شدن 241 تبعه آمریکایی شد. آمریکا با ادعای تدارک و پشتیبانی این رویداد از سوی ایران، نام ایران را به عنوان «دولت حامی تروریسم» درج کرد و به این طریق زمینه و موجبات کافی برای بازماندگان و خانواده‌های قربانیان فراهم شد تا در محاکم آمریکا علیه ایران طرح دعوا نمایند. محکمه بخش کلمبیا که به شکایت مزبور رسیدگی می‌کرد، در رأی 30 می 2003 به این نتیجه رسید که وزارت اطلاعات و امنیت ایران در حمله 23 اکتوبر 1983 که به وسیله عوامل آن وزارتخانه و با کمک حزب الله لبنان انجام گرفت، به نحو فعالی مشارکت داشته است. این رأی برای اجرا در آمریکا با فراز و نشیب‌های بسیار مواجه شد. سرانجام با تصویب «قانون کاهش تهدید ایران و حقوق بشر سوریه» در سال 2012، امکان اجرای آن از اموال بانک مرکزی ایران فراهم گردید و مبالغی از اوراق بهادار بانک مرکزی در آمریکا توقیف شد. مراجعه بانک مرکزی به محاکم آمریکا که حق تا محکمه عالی آمریکا کشیده شد نیز نتوانست مانع اجرای این رأی شود و متعاقب صدور حکم از سوی محکمه عالی در سال 2016، قریب 1/8 میلیارد دلار از اموال بانک مرکزی ایران که قبلاً توقیف شده بود، مصادره و مقرر شد که بین مدعیان دوسیه «پترسون» توزیع شود.²⁶

ایران پس از توقیف این مبلغ از دارایی بانک مرکزی از سال 2008 تا 2016 در دوسیه پترسون نزد محاکم نیویارک و محکمه عالی ایالات متحده برای تأمین خواسته آرای متعدد مدعی‌های آمریکایی علیه دولت ایران، تصمیم گرفت در تاریخ 25 جوزای 1395 (14 جون 2016) در محکمه بین‌المللی عدالت طرح دعوا کند. ایالات متحده نیز در 1 می 2017 ایرادات مقدماتی خود را در این دوسیه مطرح کرد از جمله این که مصونیت مورد ادعای ایران در مورد بانک مرکزی موضوعی نیست که ذیل معاهده مودت مورد بحث قرار گیرد. همچنین، بانک مرکزی یک شرکت در معنای معاهده محسوب نمی‌شود.²⁷

محکمه بین‌المللی عدالت در رأی صلاحیتی خود در قضیه برخی اموال ایران (ایران علیه آمریکا) که در 24 دلو 1397 (13 فبروری 2019) صادر نمود، به ایرادهای مقدماتی آمریکا درباره صلاحیت و عدم قابلیت استماع دعوا پرداخت. ایراد مبتنی بر استثنای عدم اعمال عهدنامه مودت (ماده ۲۰ (1) عهدنامه)، ایراد عدم حمایت عهدنامه مودت از مصونیت دولت و ایراد عدم شمول حمایت‌های مقرر در عهدنامه نسبت به بانک مرکزی (به واسطه عدم تلقی آن به عنوان

²⁵. مصطفی میرمحمدی و مهران خمیسی‌زاده، همان، 369 و 370.

²⁶. محسن محبی و وحید بنادر، "ریکتر تفسیری دیوان بین‌المللی دادگستری در قضیه برخی اموال ایران"، فصلنامه قضاوت 19، شماره 98 (1398): 54 و 55.

²⁷ - International Court of Justice. *Certain Iranian Assets (Islamic Republic of Iran v. United States of America)*. Judgment, May 1, 2017. <https://www.icj-cij.org/sites/default/files/case-related/164/164-20170501-WRI-01-00-EN.pdf>.

«شرکت» به عنوان ایرادهای صلاحیتی محکمه و ایراد سوءاستفاده از روند دادرسی²⁸ و ایراد عدم پاکدستی مدعی (ایران) به عنوان ایرادهای مرتبط با عدم قابلیت استماع دعوا مطرح گردید. محکمه به دقت استدلال‌های هریک از طرف‌های اختلاف را بررسی نمود.²⁹ در مورد ایراد نخست که بخش عمده‌ای (بندهای 80-48) از تصمیم 2019 محکمه را به خود اختصاص داده است و مرکز ثقل دفاع ایران در مورد بانک مرکزی محسوب می‌شد، محکمه ادعاهای ایران را نپذیرفت. از این رو، چاره‌ای نبود جز آن‌که ایران بانک مرکزی را به عنوان یک شرکت قلمداد کند. ایالات متحده نیز در ایراد دوم خود خلاف این مسأله را مطرح کرده بود. محکمه نیز به دلیل ماهیت تعیین تکلیف این موضوع، چنین اظهار داشت که بررسی دقیق این که بانک مرکزی در مفهوم «شرکت» مورد نظر در معاهده مودت می‌باشد یا خیر، دارای ویژگی ماهوی است و باید در مرحله ماهوی بدان رسیدگی نمود. محکمه ایراد عدم شمول عهدنامه مودت به مصونیت دولت را پذیرفت اما ایراد مربوط به «منافع ملی و اساسی» و ایرادهای مربوط به عدم قابلیت استماع دعوا را رد کرد و در نتیجه صلاحیت خود برای رسیدگی به عریضه مدعی را احراز نمود. ضمناً، ایراد عدم شمول مفاد عهدنامه نسبت به بانک مرکزی، ملحق به ماهیت دعوا شد؛ زیرا به نظر محکمه، این ایراد ویژگی منحصرأً مقدماتی ندارد. با این حال، محکمه در بندهای 97-81 تصمیم 2019 مطالب بسیار مهمی را مطرح کرد³⁰ که محکمه در رأی ماهوی 30 مارچ 2023 آن را مبنای اظهارات خود قرار داد.

22. مروری به محتوای رأی محکمه

محکمه در رأی ماهوی 30 مارچ 2023 طی بندهای 54-34 به ایراد ایالات متحده در خصوص شرکت نبودن بانک مرکزی پرداخت و در نهایت ادعای ایالات متحده را پذیرفت. محکمه ضمن اعلام عدم ورود به موضوع بانک مرکزی، در چهار مورد، دولت ایالات متحده را در اثر نقض تعهدات ناشی از مواد 3 (بند 1)، ماده 4 (بندهای 1 و 2) و ماده 10 (بند 1) معاهده «مودت، روابط اقتصادی و حقوق قونسل»³¹ مصوب 15 اگست 1955 به عنوان متخلف مورد شناسایی قرار داد.

ایران در عریضه خود ضمن درخواست صدور قرار موقت، تحمیل مجدد تحریم‌های ۸ می ۲۰۱۸ ایالات متحده را که پیشتر با اجرای برجام برداشته شده و رفع گشته بودند و تحریم‌های بیشتری را که به موجب دستورهای اجرایی بعدی رئیس جمهور ترامپ صادر شد، ناقض عهدنامه مودت ۱۹۹۵ میان ایران و ایالات متحده می‌دانست. در تاریخ ۳ اکتوبر ۲۰۱۸، محکمه بین‌المللی عدالت دستور موقتی صادر نمود و اعلام کرد که ایالات متحده باید موانع صادرات داروها، تجهیزات طبی، مواد غذایی، کالاهای طبی و قطعات و خدمات ضروری برای ایمنی ترانسپورت هوایی ایران را رفع نماید.

محکمه در رأی ۳ فبروری ۲۰۲۱ خود، پنج ایراد مقدماتی ایالات متحده را به سه دسته گسترده طبقه‌بندی کرد:

مواردی که به موجب ماده ۲۱ بند ۲ عهدنامه مودت مربوط به صلاحیت موضوعی هستند؛

مواردی که به دلیل سوءاستفاده از روند رسیدگی و صحت عمل قضایی عریضه ایران را غیر قابل استماع می‌کنند؛

²⁸ - Abuse of Process.

²⁹. محبی، همان، 53.

³⁰ - International Court of Justice, *Certain Iranian Assets (Islamic Republic of Iran v. United States of America)*, Judgment, February 13, 2019, <https://www.icj-cij.org/sites/default/files/case-related/164/164-20190213-JUD-01-00-EN.pdf>.

³¹ - Treaty of Amity, Economic Relations, and Consular Rights Between the United States of America and Iran, August 15, 1955, <https://www.state.gov/wp-content/uploads/2019/05/Treaty-of-Amity-Economic-Relations-and-Consular-Rights-between-the-United-States-of-America-and-Iran-Aug-15-1955.pdf>.

مواردی که مربوط به بندهای (ب) و (د) پاراگراف اول ماده ۲۰ عهدنامه مودت ۱۹۵۵ هستند و تصمیم در خصوص آن‌ها پیش از ورود به مرحله ماهیت اهمیت دارد.

ایالات متحده اساساً در خصوص ایرادهای مقدماتی دسته اول استدلال کرد که موضوع اصلی اختلاف اجرای سند دیگری، یعنی برجام است و اختلاف مربوط به اجرای عهدنامه مودت نیست و همچنین اکثر تحریم‌های ایالات متحده که توسط ایران به چالش کشیده شده‌اند، مربوط به تجارت میان ایران و دولت‌های ثالث، شرکت‌ها و اتباع آنهاست و نه اتباع و شرکت‌های ایران و ایالات متحده (رأی در مورد ایرادهای مقدماتی در دعوی ایران علیه ایالات متحده، پاراگراف‌های ۳۹-۴۰ و ۴۳-۴۶). محکمه تأکید کرد که عارض قادر به تعیین موضوع اختلاف می‌باشد اما در نهایت این محکمه است که با در نظر گرفتن اظهارات طرفین، موضوع اصلی اختلاف را که نزد او مطرح شده تعیین می‌کند (رأی در مورد ایرادهای مقدماتی در دعوی ایران علیه ایالات متحده، پاراگراف ۵۲). محکمه صراحتاً اظهار داشت، برای تعیین موضوع اصلی اختلاف، عریضه و ادعاهای شفاهی و کتبی طرفین اختلاف را مبنا قرار می‌دهد. به ویژه، حقایق را که مدعی به عنوان میانی ادعاهایش معرفی نموده، مطمح نظر هستند (رأی در مورد ایرادهای مقدماتی در دعوی ایران علیه ایالات متحده، پاراگراف ۵۳). بیان محکمه درباره این معیار صریح از اهمیت برخوردار است؛ چراکه در رأی مربوط به ایرادهای مقدماتی در دعوی قطر علیه امارات متحده عربی، کاملاً مشخص نخواهد بود که آیا محکمه مجدداً همین معیار را برای توصیف خود از موضوع اختلاف به‌کارگرفته یا خیر. محکمه این مسئله را پذیرفته و تأکید نمود: «این حقیقت که اختلاف طرفین در رابطه با و در چارچوب تصمیم ایالات متحده برای خروج از برجام ایجاد گشته، به خودی خود مانع وجود اختلاف در مورد تفسیر یا اجرای عهدنامه مودت نیست... برخی اعمال ممکن است در محدوده بیش از یک سند باشند و اختلاف در رابطه با آن اعمال می‌تواند مربوط به تفسیر و اعمال بیش از یک معاهده یا سند باشند» (رأی در مورد ایرادهای مقدماتی در دعوی ایران علیه ایالات متحده، پاراگراف ۵۶). محکمه در این مرحله بر اتکاء خود بر فرمول‌بندی ایران از ادعاهایش به عنوان مدعی در این قضیه تأکید کرد و یادآور شد که وظیفه محکمه در خصوص تفکیک زمینه واقعی در این قضیه و تعیین موضوع ادعا، مجوز اصلاح موضوع تسلیعی را نمی‌دهد. محکمه نمی‌تواند به جای آن که خود را معطوف به خواسته مدعی کند، موضوع اصلی اختلاف را از زمینه سیاسی که رسیدگی به آن شکل گرفته، استنباط نماید (رأی در مورد ایرادهای مقدماتی در دعوی ایران علیه ایالات متحده، پاراگراف ۵۹). بدین ترتیب، محکمه با اتکاء بر نحوه توصیف ایران از ادعای خود، اولین دسته از ایرادهای مقدماتی ایالات متحده را به اتفاق آراء نپذیرفت (نک: بخش اجرایی رأی در مورد ایرادهای مقدماتی در دعوی ایران علیه ایالات متحده، پاراگراف ۱۱۴).

محکمه در ادامه، سایر ایرادهای مقدماتی ایالات متحده را رد نمود و اظهار داشت که ادعای ایالات متحده در مورد اقدامات فراتر از محدوده عهدنامه مودت ۱۹۵۵، اصطلاحاً اقدامات دولت ثالث که در آن تحریم‌های ایالات متحده نهایتاً به معاملات میان ایران و سایر کشورها، شرکت‌ها و اتباع دیگری غیر از اتباع ایالات متحده گسترش می‌یابد، «با تمامی ادعاهای ایران ارتباط ندارد اما اکثریت آنها را دربرمی‌گیرد» (رأی در مورد ایرادهای مقدماتی در دعوی ایران علیه ایالات متحده، پاراگراف ۷۶). محکمه به این نتیجه رسید: «این حقیقت که برخی از اقدامات ادعایی مستقیم کشورهای ثالث یا اتباع و شرکت‌های ثالث را هدف قرار می‌دهند، برای مستثنی کردن خودکار آنها از محدوده عهدنامه مودت کفایت نمی‌کند و محکمه صرفاً با بررسی دقیق دامنه و تأثیر واقعی هریک از اقدامات مورد بحث می‌تواند تعیین کند که آیا این اقدامات بر اجرای تعهدات ایالات متحده ذیل مقررهای عهدنامه مودت تأثیر می‌گذارند» (رأی در مورد ایرادهای مقدماتی در دعوی ایران علیه ایالات متحده، پاراگراف ۸۱). تحت این شرایط، محکمه مقرر کرد، این ایراد مقدماتی مشخص یک سری «مسائل حقوقی و موضوعی را ایجاد می‌کنند که مربوط به ماهیت هستند» (رأی در مورد ایرادهای مقدماتی در دعوی ایران علیه ایالات متحده، پاراگراف ۸۲)، و مجدداً به اتفاق آراء، این ایراد مقدماتی ایالات متحده نیز

رد شد. رأی محکمه در این بخش به اندازه بخش پیشین از اهمیت برخوردار است؛ چون هنگامی که محکمه با آمیزه‌ای از مسائل حقوقی و وقایع مربوط به مرحله رسیدگی ماهوی مواجه شد، در قضیه ایران علیه ایالات متحده تصمیم به پذیرش صلاحیت و ورود به ماهیت رسیدگی گرفت، اقدامی دقیقاً برخلاف چیزی که در قضیه قطر علیه امارات متحده عربی انجام داد که در مواجهه با آمیزه‌ای از مسائل حقوقی و موضوعی در ایرادهای مقدماتی تصمیم به عدم صلاحیت خود می‌گیرد.

سرانجام محکمه دسته دوم ایرادهای مقدماتی در مورد قابل استماع بودن دعوی را که به سوء استفاده از روند رسیدگی و حفظ تمامیت عملکرد قضایی محکمه اشاره داشتند، نپذیرفت و صرفاً به بیان این نکته بسنده کرد که ایران تنها مطابقت اقداماتی را که با برجام مرتفع شده بودند و سپس در می ۲۰۱۸ مجدداً بازگشتند، از طریق عهدنامه مودت به چالش کشیده و بحثی در رابطه با اقدامات تاثیرگذار بر ایران و اتباع و شرکت‌های آن ندارد که ممکن است، انعکاسی از یک تصمیم سیاسی باشد... رأی محکمه نمی‌تواند خود را درگیر انگیزه‌ای سیاسی کند که ممکن است دولتی را در زمانی خاص یا شرایطی خاص به انتخاب حل و فصل قضایی سوق دهد» (رأی در مورد ایرادهای مقدماتی در دعوی ایران علیه ایالات متحده، پاراگراف ۹۵). محکمه با رسیدگی به ایرادهای مقدماتی سوم مجدداً تصمیم به رد تفسیر دفاعیات ایالات متحده از ماده ۲۰ (ب) و (د) عهدنامه مودت ۱۹۵۵ گرفت. به عنوان مثال مقررهای که ایالات متحده ادعا می‌کرد، آستانه غیر قابل اعمال و اجرا بودن عهدنامه را در مواردی تعیین می‌کنند که مربوط به مواد شکاف‌پذیر و منابع و فرآورده‌های رادیواکتیو، همچنین موارد ضروری برای حفاظت از منافع امنیتی اساسی هستند. محکمه تأکید کرد که چنین تفسیری از معاهده صرفاً در مرحله ماهیت قابل اعمال است (رأی در مورد ایرادهای مقدماتی در دعوی ایران علیه ایالات متحده، پاراگراف های ۱۰۹-۱۱۲).

ایران و ایالات متحده هر یک این رأی را نوعی پیروزی بر طرف مقابل قلمداد کردند. ایران معتقد است به دلیل صراحت محکمه در ذکر موارد تخلف ایالات متحده در اجرای معاهده مودت نسبت به شرکت‌های ایرانی و ایالات متحده معتقد است، به دلیل عدم رسیدگی محکمه به ادعای مربوط به بانک مرکزی، این رأی به نفع آن‌ها بوده است. اگر از نظر میزان خواسته دعوا به موضوع نگاه کنیم، ادعای ایالات متحده صحیح است (ادعای یک میلیارد و هشتصد میلیون دالر در خصوص بانک مرکزی که داخل در حمایت‌های مقرر در معاهده مودت شناخته نشد و ۲۵ میلیون دالر برای سایر شرکت‌های ایرانی که امریکا نسبت به آنها به عنوان متخلف شناخته شد) و اگر به نتیجه نهایی محکمه در محکومیت ایالات متحده و تکلیف به جبران خسارت این کشور نظر بيفکنیم، مدعای ایران صحیح است.³²

3.2. نظرات فردی در قضیه برخی اموال ایرانیان

نصاب بسیار نزدیک نظرات موافق و مخالف در (8 به 7) قضات در خصوص بند دوم اجرایی رأی در مورد نقض بند 1 ماده 3 معاهده مودت توسط ایالات متحده قابل توجه است؛ طوری که نشان می‌دهد در جلسه شور قضات، محل نزاع جدی بوده و بسیاری از قضات در نظریه جداگانه خود به این بخش پرداخته‌اند.

³² - Diane Desierto, "A Study in Contrasting Jurisdictional Methodologies: The International Court of Justice's February 2021 Judgments in Iran v. USA and Qatar v. UAE," *EJIL:Talk!* (blog), <https://www.ejiltalk.org/a-study-in-contrasting-jurisdictional-methodologies-the-international-court-of-justices-february-2021-judgments-in-iran-v-usa-and-qatar-v-uae/> (last visited April 14, 2021)..

در این قضیه قاضی دوناهو امریکایی (رئیس محکمه) به دلایلی خواستار عدم حضور شد و قاضی گورگیان از روسیه به عنوان نائب رئیس محکمه، نقش ریاست محکمه را ایفا نمود و به جز قاضی گورگیان (روسیه) و شیو (چین)، تمامی قضات (13 قاضی) محکمه نظرات خود را به صورت انفرادی در این قضیه مطرح کرده‌اند. (در سکوهای نفی 11 قاضی از 16 قاضی نظر انفرادی داشتند) به خصوص این که برخی نظرات بسیار نزدیک به هم هستند اما قضات تمایل به صدور نظر مشترک نداشتند.

در این قضیه، 3 قاضی، قاضی ابراهام، قاضی سلام و قاضی بهانداری اعلامیه صادر کرده‌اند. 8 قاضی نظر جداگانه خویش را ضمیمه رأی نموده‌اند که دو تن از آن‌ها، قاضی رابینسون از جامائیکا و قاضی بارکت (قاضی اختصاصی امریکا) در نظر جداگانه خویش از رأی مخالفت نیز نموده‌اند. همچنین دو قاضی، قاضی سبوتینده از اوگاندا و قاضی ممتاز (قاضی اختصاصی ایران) نظر مخالف صادر نموده‌اند.

4.2. مرور نظرات مخالف در قضیه برخی اموال ایرانیان

چنانکه گفته شد در قضیه برخی اموال ایرانیان، دو قاضی رأی مخالف صادر نموده‌اند و دو قاضی نیز در آرای جداگانه خود، با بخش‌هایی از رأی محکمه مخالفت نموده‌اند.

1. خانم سبوتینده، قاضی اوگاندایی، حتی برخلاف قاضی اختصاصی امریکایی، خانم بارکت که در بخش مربوط به مذاکره موافقت خود را اعلام کرده، نظر مخالف داده است. وی تقریباً با تمامی ادعاهای ایران مخالف بوده است و در رأی مخالف خود ابراز داشته است که من با بندهای (1) و (9) بند اجرایی 236 موافقم، اما با بقیه بندهای آن پاراگراف مخالفم. از نظر ایشان تعهدات ایالات متحده آمریکا مندرج در مواد 3 و 4 معاهده 1955 متمایز است و نباید آن‌ها را با هم ادغام کرد. شرکت‌های ایرانی از رفتار منصفانه و عادلانه خودداری کرده‌اند یا خود را در معرض اقدامات غیرمنطقی یا تبعیض‌آمیز قرار داده یا مانع اجرای حقوق قراردادی گردیده‌اند. دستور 13599 که عملاً شرکت‌های ایرانی را از واگذاری اموال غیرمنقول خود در ایالات متحده به معنای ماده 4 (1) منع کرد، صرفاً به محدودیت‌های مبادله‌ای مربوط می‌شود و ایران ثابت نکرده است که ایالات متحده تعهد خود را طبق آن ماده نقض کرده است. دستور اجرایی 13599 به عنوان اقدامی واجد شرایط است که برای حفاظت از منافع امنیتی ایالات متحده در چارچوب ماده XX (1) (د) ضروری است و باید از محدوده معاهده 1955 مستثنی شود. ایالات متحده هیچ تعهدی برای جبران خسارت ایران ندارد.³³

2. آقای جمشید ممتاز، قاضی اختصاصی ایران هم رأی مخالف خود را ضمیمه رأی محکمه نموده است. وی اعلام کرده که بند نخست از بخش اجرایی رأی ماهوی مخالف است و نمی‌تواند استدلال‌پردازی توسط محکمه را منتج به این بداند که بانک مرکزی نمی‌تواند بابت فعالیت سرمایه‌گذاری خود، مدعی رفتار مقرر شده در مواد 3، 4 و 5 عهدنامه مودت، بازرگانی و حقوق قونسلی 1955 شود و در نتیجه پذیرفته شود که محکمه صلاحیت موضوعی ندارد. همچنین از نظر وی این که محکمه فعالیت بانک مرکزی در مورد اوراق قرضه را غیرقابل تفکیک از سایر اعمال بانک مرکزی و اعمال حاکمیت دانسته و در نتیجه آن را فعالیت بازرگانی توصیف ننموده است، قابل پذیرش نیست. ایشان این که محکمه معیار ماهیت معامله را مد نظر قرار نداده و به عوض آن به سراغ معیار عینی دنبال شده توسط بانک مرکزی

³³ - *Certain Activities Carried Out by Nicaragua in the Border Area (Costa Rica v. Nicaragua) and Construction of a Road in Costa Rica along the San Juan River (Nicaragua v. Costa Rica)*, Judgment, I.C.J. Reports 2015, p. 665.

رفته است، نوآوری محکمه دانسته که با حقوق عرفی، هدف و موضوع معاهده مودت، بازرگانی و حقوق قونسل 1955 مغایرت دارد.³⁴

3. آقای رابینسون، قاضی جامائیکایی، نسبت به عبارت‌پردازی متواضع محکمه در بند 72 تصمیم 2023 در خصوص نظام حقوق ایالات متحده لب به نکوهش گشوده و شأن محکمه را بالاتر از این امر می‌داند. ضمن این که وی در بخشی از نظر خود اقدامات تحریمی یک‌جانبه را مغایر حقوق بین‌الملل معرفی می‌نماید. وی همچنین اعلام داشته که با بند 236 (1) که در آن محکمه «اعتراض به صلاحیت که توسط ایالات متحده آمریکا در رابطه با ادعاهای جمهوری اسلامی ایران به موجب ماده 3 و 4 و 5 عهدنامه مودت، بازرگانی و حقوق قونسل 1955 را تا جایی که به رفتاری که با بانک مرکزی در نظر گرفته شده مربوط می‌شود، تأیید و بر این اساس، تشخیص می‌دهد که صلاحیت رسیدگی ندارد» مخالف است.³⁵

4. خانم بارکت، قاضی اختصاصی ایالات متحده هم در نظر جداگانه خود با بخشی از رأی محکمه مخالفت نموده است. وی عنوان داشته که محکمه در رد ایراد ایالات متحده مبنی بر به‌روز نبودن راه‌حل‌های محلی و دفاعیات آن مبنی بر سوء استفاده از حقوق و ماده (1) XX (د) و همچنین حل و فصل دعاوی ایران به موجب مواد (1) IV، (2) IV (در مورد سلب مالکیت) و (1) X مسیر درستی را انتخاب نکرده است.³⁶

نتیجه

ارائه نظرات فردی یکی از حقوق قضات است که می‌توان آن را منبعث از اصل استقلال قضات در محکمه بین‌المللی عدالت و نحوه انتخاب آنها دانست. این نظرات هر چند بخشی از رویه قضایی بین‌المللی نیستند، اما می‌توان آن را «دکترین» قلمداد نمود که یکی از منابع فرعی حقوق بین‌الملل عمومی مندرج در ماده 38 اساسنامه محکمه بین‌المللی عدالت است. این نظرات می‌توانند از یک جهت تضمین‌کننده استقلال قضات باشند و این اطمینان را به قضات و اطراف دعوا بدهد که آنها در ارائه دیدگاه و نظرات خود از آزادی کامل برخوردار بوده‌اند. هر چند این نظرات در رأی نهایی تأثیرگذاری نداشته‌اند اما از یک سو بر اطمینان از روند عملکرد محکمه تأثیرگذار بوده و از سوی دیگر می‌تواند مسیری بهتری را برای قضات در قضایای بعدی ترسیم نماید و علاوه بر آن در توسعه حقوق بین‌الملل مفید واقع شود.

مرور رأی صادره محکمه در قضیه برخی اموال ایرانیان نشان می‌دهد که محکمه از آرای فردی از جمله آرای مخالف قبلی محکمه به صورت مستقیم تأثیر نپذیرفته است. با توجه به نقش نظرات مخالف در حقوق بین‌الملل که جایگاه فرعی در میان منابع حقوق بین‌المللی دارد و همچنین عملکرد محکمه نمی‌توان با ضرس قاطع از همین حالا بر تأثیرگذاری آنها بر حقوق بین‌الملل و یا رویه محکمه صحه گذاشت. با این حال می‌توان گفت که آرای مخالف آقای رابینسون و همچنین دکتر ممتاز در رابطه به رد صلاحیت موضوعی محکمه پیرامون پرداختن به فعالیت بانک مرکزی و اعمال حاکمیت دانستن فعالیت‌های آن با توجه به استدلال‌های مرتبط با رویه قبلی محکمه و سایر نهادهای قضایی و توسل آنها به معیار ماهیت معامله بتواند در آرای آینده محکمه و یا تثبیت عرف در این زمینه تأثیرگذار باشد.

³⁴ - International Court of Justice, *Certain Iranian Assets (Islamic Republic of Iran v. United States of America)*, Judgment, March 30, 2023, <https://www.icj-cij.org/sites/default/files/case-related/164/164-20230330-jud-01-13-en.pdf>.

³⁵ - *Separate Opinion, Partly Concurring and Partly Dissenting, of Judge Robinson*, para. 1, *Certain Activities Carried Out by Nicaragua in the Border Area (Costa Rica v. Nicaragua) and Construction of a Road in Costa Rica along the San Juan River (Nicaragua v. Costa Rica)*, Judgment, I.C.J. Reports 2015. <https://www.icj-cij.org/sites/default/files/case-related/150/150-20151216-JUD-01-00-EN.pdf>

³⁶ - *Separate Opinion, Partly Concurring And Partly Dissenting, Of Judge Ad Hoc Barkett*, "Abuse of rights — Iran seeking to exercise rights conferred on it by the Treaty 'for purposes other than those for which the rights at issue were established." <https://icj-cij.org/sites/default/files/case-related/164/164-20230330-JUD-01-12-EN.pdf>

منابع:

الف. فارسی

- حبیبی مجنده، محمد و ساناز کامیاراد. "قاعده‌سازی در دیوان بین‌المللی دادگستری از مجرای تفسیر پویا". *مجله حقوقی بین‌المللی* 35، شماره 1 (1397): 65-88.
- حریریان، لادن. "نقض نظرات قضات محکمه بین‌المللی عدالت در توسعه حقوق بین‌الملل". *سایت دیدبان دادگستر*. قابل دسترسی در: <https://didad.ir>.
- حیدرئزاد، ولی‌الله و سید محمد مهدی غمامی. "مطالعه تطبیقی شرایط و فرآیندهای انتخاب و انتصاب قضات در نظام‌های حقوقی ایالات متحده آمریکا و فرانسه". *فصلنامه حقوق تطبیقی* 10، شماره 1 (1398): 111-140.
- شاملو، سوده و همایون حبیبی. "نقش دیوان بین‌المللی دادگستری در توسعه حقوق بین‌الملل". *فصلنامه حقوق عمومی* 15، شماره 41 (1392): 71-114.
- محبی، محسن و وحید بذار. "رویکرد تفسیری دیوان بین‌المللی دادگستری در قضیه برخی اموال ایران". *فصلنامه قضاوت* 19، شماره 98 (1398): 53-83.
- میرمحمدی، مصطفی و مهران خمیسی‌زاده. "مطالعه تطبیقی جایگاه و کارکرد نظرهای فردی (جداگانه، مخالف و اعلامیه) در رویه دیوان بین‌المللی دادگستری و نظام داوری حل اختلافات دولت. سرمایه‌گذار". *مجله مطالعات حقوق تطبیقی* 11، شماره 1 (1399): 363-380.

ب. لاتین

- Desierto, Diane. "A Study in Contrasting Jurisdictional Methodologies: The International Court of Justice's February 2021 Judgments in Iran v. USA and Qatar v. UAE." *EJIL: Talk!* (blog). Last visited April 14, 2021. <https://www.ejiltalk.org/a-study-in-contrasting-jurisdictional-methodologies-the-international-court-of-justices-february-2021-judgments-in-iran-v-usa-and-qatar-v-uae/>.
- "Rules of Court (14 April 1978)," arts. 95(2) and 107(3). <http://icj-cij.org/rules>.
- "Statute of the International Court of Justice (1945)," art. 57. <http://icj-cij.org/statute>.
- Heerdts, D., W. van Genugten, and N. Schrijver. *Discover International Law: With Special Attention for The Hague, City of Peace and Justice*. Nijmegen: Wolf Legal Publishers, 2017.
- International Court of Justice. *Certain Iranian Assets (Islamic Republic of Iran v. United States of America)*, Judgment, May 1, 2017. <https://www.icj-cij.org/sites/default/files/case-related/164/164-20170501-WRI-01-00-EN.pdf>.
- International Court of Justice. *Certain Iranian Assets (Islamic Republic of Iran v. United States of America)*, Judgment, February 13, 2019. <https://www.icj-cij.org/sites/default/files/case-related/164/164-20190213-JUD-01-00-EN.pdf>.
- International Court of Justice. *Certain Iranian Assets (Islamic Republic of Iran v. United States of America)*, Judgment, March 30, 2023. <https://www.icj-cij.org/sites/default/files/case-related/164/164-20230330-jud-01-13-en.pdf>.
- Separate Opinion, Partly Concurring and Partly Dissenting, of Judge Robinson, para. 1, *Certain Activities Carried Out by Nicaragua in the Border Area (Costa Rica v.*

Nicaragua) and Construction of a Road in Costa Rica along the San Juan River (Nicaragua v. Costa Rica), Judgment, I.C.J. Reports 2015. <https://www.icj-cij.org/sites/default/files/case-related/150/150-20151216-JUD-01-00-EN.pdf>.

Separate Opinion, Partly Concurring and Partly Dissenting, of Judge Ad Hoc Barkett, "Abuse of rights – Iran seeking to exercise rights conferred on it by the Treaty 'for purposes other than those for which the rights at issue were established.'" <https://icj-cij.org/sites/default/files/case-related/164/164-20230330-JUD-01-12-EN.pdf>.

Treaty of Amity, Economic Relations, and Consular Rights Between the United States of America and Iran, August 15, 1955. <https://www.state.gov/wp-content/uploads/2019/05/Treaty-of-Amity-Economic-Relations-and-Consular-Rights-between-the-United-States-of-America-and-Iran-Aug.-15-1955.pdf>.

About the Author

Mr. Said Mohammad Alemi, Deputy Director for Academic Affairs, Institute of Diplomacy, MFA, Kabul Afghanistan. <smalemi@gmail.com>
